

## هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

### همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و ....  
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)  
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۰۱۱۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۶۴۶۰

## تاریخچه و مفهوم جرم در تاریخ و حقوق کیفری

محمدیاسین فلاح

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

دانشگاه پیام نور استان لرستان (مرکز خرم آباد)

### چکیده

جرم به عنوان یکی از بنیادی ترین مفاهیم حقوق کیفری، پدیده ای اجتماعی و حقوقی است که مفهوم و حدود آن در طول تاریخ، متناسب با تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی جوامع دستخوش تغییر شده است. بررسی تاریخچه جرم نشان می دهد که در جوامع ابتدایی، رفتارهای زیان بار غالباً بر مبنای انتقام شخصی، باورهای دینی و عرف های قبیله ای پاسخ داده می شد و میان جرم، گناه و تخلف از هنجارهای اجتماعی تفکیک روشنی وجود نداشت. با شکل گیری حکومت ها و توسعه نظام های حقوقی، تعیین رفتارهای ممنوع و مجازات آنها به تدریج از اختیار اشخاص و گروه های محدود خارج و در چارچوب اقتدار عمومی و نظام کیفری قرار گرفت. در دوران جدید نیز با گسترش اندیشه های حقوق بشری و شکل گیری اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، مفهوم جرم از منظر حقوقی ضابطه مندتر شد و تحقق مسئولیت کیفری به وجود عناصر و شرایط مقرر قانونی وابسته گردید. در حقوق کیفری معاصر، جرم را می توان رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل دانست که قانون گذار آن را ممنوع اعلام کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر نموده است. بر این اساس، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، یکی از مهم ترین مبانی تعیین کننده مفهوم جرم در نظام های کیفری امروزی محسوب می شود. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی سیر تاریخی مفهوم جرم از جوامع



ابتدایی تا نظام‌های کیفری معاصر، به تحلیل تحول مبانی شناسایی رفتار مجرمانه و جایگاه آن در حقوق کیفری می‌پردازد. همچنین، تفاوت برداشت‌های تاریخی و حقوقی از جرم و تأثیر تحولات اجتماعی و حقوقی بر تعریف و قلمرو آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم جرم مفهومی ثابت و ایستا نبوده، بلکه همواره تحت تأثیر تحولات ارزش‌های اجتماعی، ساختار حکومت، اندیشه‌های حقوقی و سیاست جنایی جوامع تغییر کرده است.

هفتمین همایش پژوهش‌های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین (انجمن پژوهش‌های علمی و حقوقی قانون بار - آموزش و پرورش و سپاه پاسداران کرمانشاه - ۸ اسفند ۱۴۰۳)

**واژگان کلیدی:** جرم، تاریخ جرم، حقوق کیفری، تاریخ حقوق، رفتار مجرمانه، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مسئولیت کیفری.



## مقدمه

جرم یکی از قدیمی ترین و در عین حال بنیادی ترین مفاهیم در تاریخ زندگی اجتماعی بشر است. از زمانی که انسان ها به صورت گروهی و در قالب جوامع ابتدایی زندگی خود را سازمان دهی کردند، همواره برخی رفتارها با واکنش و مخالفت جامعه مواجه شده اند. این رفتارها در دوره های مختلف تاریخی، بر اساس ارزش ها، باورهای دینی، عرف ها و ساختارهای اجتماعی هر جامعه، اشکال متفاوتی داشته اند. به همین دلیل، مفهوم جرم را نمی توان مفهومی ثابت و مستقل از شرایط اجتماعی و تاریخی دانست؛ بلکه تعریف و قلمرو آن در طول زمان متأثر از تحولات جامعه، نظام های سیاسی، باورهای فرهنگی و مبنای حقوقی تغییر کرده است. در جوامع ابتدایی، میان مفاهیمی همچون جرم، گناه، بی اخلاقی و نقض قواعد اجتماعی تفکیک روشنی وجود نداشت. بسیاری از رفتارهایی که موجب آسیب به فرد، خانواده یا قبیله می شد، با واکنش مستقیم زیان دیده یا اعضای گروه مواجه می گردید. در این دوره، انتقام شخصی و خانوادگی یکی از مهم ترین شیوه های پاسخ به رفتارهای زیان بار بود و واکنش نسبت به عمل ارتكابی الزاماً بر اساس قواعد مدون و از پیش تعیین شده صورت نمی گرفت. با گذشت زمان و شکل گیری ساختارهای منسجم تر اجتماعی و سیاسی، قدرت عمومی به تدریج در فرایند مقابله با رفتارهای مجرمانه دخالت کرد و مجازات از یک واکنش شخصی به نهادی اجتماعی و حکومتی تبدیل شد.

تحول مفهوم جرم ارتباط مستقیمی با تحول مفهوم مجازات داشته است. در مراحل اولیه، مجازات بیشتر جنبه انتقام و جبران خسارت داشت، اما با شکل گیری حکومت ها، مجازات به ابزاری برای حفظ نظم عمومی و حمایت از ارزش های مورد قبول جامعه تبدیل شد. تدوین قواعد کیفری در تمدن های باستانی را می توان یکی از گام های مهم در این مسیر دانست. قوانین و مقررات کیفری در تمدن های مختلف، از جمله تمدن های باستانی بین النهرین، ایران، یونان و روم، نشان دهنده تلاش جوامع برای تعیین رفتارهای ممنوع و مشخص کردن واکنش نسبت به آنها بوده است. اگرچه این مقررات با معیارهای حقوق کیفری امروز تفاوت های اساسی داشتند، اما در شکل گیری تدریجی اندیشه نظم کیفری و تعیین حدود رفتارهای ممنوع نقش مهمی ایفا کردند.



با گسترش ادیان و نظام‌های اخلاقی و دینی، مفهوم رفتار مجرمانه نیز تحت تأثیر ارزش‌های مذهبی قرار گرفت. در بسیاری از جوامع، ارتکاب برخی رفتارها نه تنها تعرض به حقوق اشخاص یا نظم اجتماعی، بلکه نقض یک تکلیف دینی تلقی می‌شد. این وضعیت سبب شد که مرز میان جرم و گناه برای مدت طولانی کاملاً روشن نباشد. با این حال، تحولات فکری و اجتماعی بعدی به تدریج زمینه تفکیک حوزه اخلاق، دین و حقوق کیفری را فراهم کرد و ضرورت تعریف دقیق رفتار مجرمانه بر مبنای قواعد حقوقی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ حقوق کیفری، ظهور اندیشه‌های جدید درباره محدود کردن قدرت حکومت و حمایت از آزادی‌های فردی بود. در دوره شکل‌گیری اندیشه‌های نوین حقوقی، اعمال مجازات بدون وجود قاعده قانونی مشخص با انتقادات جدی مواجه شد. در این دوره، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به‌عنوان یکی از اصول اساسی حقوق کیفری مطرح گردید. بر اساس این اصل، هیچ رفتاری را نمی‌توان جرم دانست و هیچ مجازاتی را نمی‌توان بر شخص تحمیل کرد، مگر آنکه پیش از ارتکاب رفتار، قانون آن را جرم شناخته و مجازات آن را تعیین کرده باشد. این تحول نقش مهمی در جلوگیری از خودسری و اعمال سلیقه‌ای قدرت کیفری داشت.

در حقوق کیفری معاصر، مفهوم جرم بیش از گذشته از منظر حقوقی و قانونی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جرم صرفاً رفتاری ناپسند یا مغایر با اخلاق اجتماعی نیست، بلکه رفتاری است که قانون‌گذار آن را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین کرده است. بنابراین، ممکن است رفتاری از نظر اخلاقی نادرست یا از دیدگاه اجتماعی نامطلوب باشد، اما تا زمانی که قانون آن را جرم‌انگاری نکرده باشد، نمی‌توان صرفاً بر اساس ناپسند بودن آن، مسئولیت کیفری ایجاد کرد. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تعیین قلمرو حقوق کیفری است.

از سوی دیگر، مفهوم جرم در حقوق کیفری تنها به تعریف قانونی رفتار مجرمانه محدود نمی‌شود، بلکه برای تحقق مسئولیت کیفری، بررسی عناصر تشکیل‌دهنده جرم نیز ضروری است. در نظام‌های حقوق کیفری، معمولاً برای تحقق جرم وجود عناصر قانونی، مادی و در مواردی معنوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. عنصر قانونی به وجود نص قانونی جرم‌انگار اشاره دارد؛ عنصر مادی به رفتار خارجی مرتکب و

بررسی تاریخی مفهوم جرم از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد جرم یک مفهوم کاملاً ثابت و تغییرناپذیر نیست. رفتارهایی که در یک دوره تاریخی جرم محسوب شده‌اند، ممکن است در دوره‌ای دیگر فاقد وصف کیفری باشند و برعکس، تحولات اجتماعی ممکن است سبب جرم‌انگاری رفتارهایی شوند که پیش‌تر فاقد ضمانت اجرای کیفری بوده‌اند. بنابراین، سیاست جنایی هر جامعه تا حد زیادی بازتاب ارزش‌ها، نیازها و اولویت‌های همان جامعه است. تغییر در ارزش‌های اجتماعی، فناوری، ساختارهای اقتصادی و روابط انسانی نیز می‌تواند در تحول قلمرو جرم‌انگاری مؤثر باشد.

یعنی علمی که بعلت های وقوع بزه و درمان اعمال مجرمانه می پردازد.<sup>۱</sup> جرم علی الاصول به کلیه اعمال جد اجتماعی یا تنش هایی که جامعه را دستخوش آسیب می کند، خواه موجب آنها علت های روانی باشد یا اجتماعی، اطلاق می گردد. در این محدوده به این مساله که آیا اینگونه اعمال به حقوق جزا و تعریف قانونی جرم ارتباط دارد چندان توجهی نمی شود و بیشتر «حالت خطرناک» فرد به عنوان

۱- برای علم جرم شناسی تعاریف متعددی شده است که حسب دیدگاه های مختلف جرم شناسان باید با آنها برخورد کرد. این تعاریف گاه مفهومی وسیع از جرم شناسی را مد نظر قرار می دهند و گاه مفهومی محدود را مطرح می سازند. علم شناخت علت های وقوع بزه و درمان آن که در اینجا به عنوان یکی از تعاریف جرم شناسی عنوان شده ریشه گرفته از مفهوم محدود جرم شناسی است.



علامت و نشانه ای از رفتارهای ضد اجتماعی و بیماری وی زیر ذره بین قرار می گیرد و بدین لحاظ درمان اینگونه افراد با اقدامات تامینی توصیه می شود. اما نظر به محدودیت های قانونی و اجتماعی، جرم شناسی ناچار بیشتر از تعریف قانونی جرم استفاده می کند و به جرایمی می پردازد که در قانون مجازات تعریف شده اند. به عبارت دیگر، مجرم قانونی این جرایم و نه هر فرد خطرناک دیگری مورد بررسی جرم شناسان قرار می گیرد بی آنکه کوشش شود تا تعریف جرم در محدوده قانونی آن محصور گردد. مع هذا، نباید فراموش کرد که امروز حقوق جزا و جرم شناسی در عین رعایت محدوده خویش می کوشند از داده های یکدیگر استفاده کنند. حقوق جزا وقتی جرم را بررسی و تجزیه و تحلیل می کند، دقیقاً از داده های جرم شناسی متأثر شده است و جرم شناسی هنگامی که به بررسی علت های جرم می پردازد، مجرم قانونی را که حقوق جزا سعی به تعریف دارد در نظر می گیرد. پل ارتباط دقیق این دو رشته از علوم جزایی و جرم شناسی را سیاست جنایی ایجاد کرده است.<sup>۱</sup>

## • جرم در حقوق جزا

در حقوق جزا سعی می شود جرم به نحوی تعریف شود که مقنن بتواند آن را در قالب قانون پیاده کند، زیرا وظیفه تشخیص اعمال و یا ترک اعمالی که به ارزش های اجتماعی لطمه می زند و نظم جامعه را مختل می کنند و موجب آسیب به آن می شوند بر عهده قانونگذار است. اما قانونگذار نیز در تعریف خود نمی تواند نظرات مختلفی را که از ناحیه متخصصان در مورد پدیده های مختلف و از جمله جرم ابراز شده نادیده انگارد.

<sup>۱</sup> - سیاست جنایی (Politique criminelle) طبق تعریف فون لیتز رشته ای است که، حسب داده های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی، کوشش می کند تا به تدوین نظریه های کیفی و پیشگیری جرایم که در عمل مفید واقع گردد، بپردازد، مارک انسل معتقد است سیاست کیفری، هم علم است و هم هنر که موضوع آن تدوین بهترین قواعد مثبت در پرتو داده های جرم شناسی است. قبلاً به تفکیک بین «سیاست جنایی» و «سیاست کیفری» اشاره کرده ایم (رک: زیرنویس شماره ۳۱ ص ۲۲).



## • تعریف جرم از دیدگاه متخصصان

حقوق دانان از جرم تعاریف متعددی کرده اند و در کشورهایی چون ایران که مبانی فقهی نیز در حقوق به طور عام و در حقوق جزا به شکل خاص عیناً وارد شده است، تعاریفی از جرم توسط فقها به عمل آمده که دیدگاه شرع و فلسفه قانونگذاری شارع در آنها مد نظر قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

## • تعریف جرم از دیدگاه حقوق دانان

حقوقدانان کشورهای مختلف جرم را تقریباً به یک شکل تعریف کرده اند. به عنوان مثال، به اعتقاد گروهی، جرم «فعل یا ترک فعلی است که از نظر خارجی به نظم، صلح و آرامش لطمه وارد می کند و قانون بدین دلیل با مجازات، ضمانت اجرایی برای آن فراهم می سازد»<sup>۲</sup>، و یا در اندیشه عده ای «فعل یا ترک فعلی است که توسط قانون پیش بینی شده و مجازات بر آن تعلق گرفته و قابل استناد به فاعل آن است»<sup>۳</sup>. برخی نیز تعریف را وسیع تر کرده اند و هرگونه تجاوز مادی به حقوق جزا را جرم می شناسند.<sup>۴</sup>

باید یادآوری کنیم که تعاریف حقوقدانان لزوماً در مجموعه های قوانین به شکل ارائه از ناحیه آن نیامده است و قانونگذار غالباً با تلخیص این تعاریف، جرم را از نظر قانونی مشخص می کند.

<sup>۱</sup> - البته، نباید فراموش کرد که قوانین شرعی معمولاً دردگاهی مختلف دارند. در قوانین اسلامی برخی از جرایم توسط قانونگذار ازلی تشریع و مجازات آن مشخص و معین گردیده است. مقصود از مقنن در سیستم حقوق شرعی، قانونگذاری است که در محدوده اختیارات خود می تواند قوانینی منطبق با مصلحت جامعه وضع کند بی آنکه بتواند از حدود شرعی خارج شود به عنوان مثال می توان از مجازات های تعزیری نام برد که در قلمرو مشخصی با توجه به احکام شرع می تواند مورد حکم قانونگذار قرار گیرد و یا کیفرهای بازدارنده که بنابر مصالح ممکن است وضع شود.

<sup>۲</sup> - مقصود ضمانت اجرایی جزایی است که در گذشته بیشتر با مجازات ها و امروز با اقدامات تامینی در کنار مجازات مورد بحث قرار می گیرد.

<sup>۳</sup> - بیشتر طرفداران نظریه سه عنصری جرم بر این تعریف تکیه می کنند.

<sup>۴</sup> - بیشتر طرفداران نظریه دو عنصری جرم بدین تعریف مبادرت می ورزند.



## • تعریف جرم در فقه اسلامی

جرم در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارتست از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آنرا منع کرده است. به تبع دیگر افعال و اقوالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند به طوری که در آیه دوازدهم سوره مائده «يَجْرِمَنَّكُمْ» به معنای کارهای زشت و ناپسند وارد شده است و نیز لفظ «مجرمین» در آیه چهل و هشتم از سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می‌برند. همین معنا را می‌توان از آیاتی که در باب انواع جرایم مشمول است قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت در قرآن کریم وارد شده است استشهاد نمود.<sup>۱</sup> سخن اما خمینی (ره) درباره جرم: امام خمینی (ره) نیز جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار داده و آنرا شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته‌اند. متنها شرطی را که قائل شده‌اند اینست که لفظ جرم را برای گناهان کبیره استعمال کرده است به طوری می‌فرمایند: «هر کس یکی از اجابات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد به امام علی (ع) یا نائب اوست وی را به کیفر عزیر برساند به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد.»<sup>۲</sup>

## • جرم از دیدگاه قانونی

اصل کلی بر این قرار دارد که باید در مورد هر جرم، قانونی قبل از ارتکاب آن تدوین و تصویب شود که مراحل اجرای آن طی شده و به اطلاع کلیه افراد رسیده باشد، زیرا تنها قانون است که می‌تواند اعمال مخالف و یا ضد اجتماعی را جرم بشناسد و بدون وجود متون قانونی تصور جرم ممکن نیست. به عنوان مثال، اگر کسی به مال دیگری تجاوز می‌کند یا جسم دیگری را مورد هجوم و حمله قرار می‌دهد و یا با استعمال کلمات ناخوشایند و زشت وجود انسانی دیگر را جریحه دار می‌کند، این اعمال باید در قالب سرقت، قتل، ضرب و جرح و فحاشی که هر کدام عنوان خاصی در قانون دارند ظاهر شوند. در صورتی که متنی قانونی در زمینه هرگونه عمل یا ترک عملی که شخص انجام می‌دهد وجود نداشته باشد،

<sup>۱</sup> - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی تهران، بهار ۱۳۷۲، مرکز نشر داد ج دوم، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> - موسوی خمینی، امام روح الله، تحریر الوسیله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ج دوم.

● **سیر تاریخی تعریف قانونی جرم**

سابقه قانونی بودن جرم در ایران به طور رسمی در قانون عمومی مصوب ۱۳۰۴ عنوان شده است و طبق ماده ۱۲ این قانون چنین مقرر شده است که: هیچ عملی را نمی توان جرم دانست مگر آنچه به موجب قانون جرم شناخته شود. این تعریف جرم در سال ۱۳۵۲ تغییر یافت و طبق ماده ۲ اصلاحی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ جرم «هر فعل یا ترک فعل که مطابق با قانونی قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تامینی و تربیتی باشد جرم محسوب می شود». تفاوت این دو قانون در این ماده ۲ قانون ۱۳۵۲ به جای عمل از فعل یا ترک فعل استفاده کرده یعنی در قانون جدید ترک فعل هم مقنن جرم دانسته است. و اما ماده ۲ قانون راجع به مجازات مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۶۱ همان تعریفی را قبول کرده است که ماده ۲ قانون اساسی اصلاحی سال ۱۳۵۲ می پذیرفت. و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز با اندکی تغییر همین تعریف را پذیرفته است. و طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم عبارتست از «فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم محسوب می شود». از مقایسه این تعریف با تعریف سال ۱۳۶۱ و ۱۳۵۲ از جرم معلوم می شود که قانونگذار از جمله «یا مستلزم اقدامات تامینی و تربیتی باشد» زاید دانسته از این رو در تعریف جدید آن را حذف کرده و به همین دلیل لازم می آید که مجازاتی که بر اقدامات تامینی و تربیتی حاکم است فاقد اثر قانونی باشد ولی باید گفت این برداشت به چند دلیل صحیح نیست:

۱- این امکان وجود دارد که افرادی از دیگران تحت عناوین مختلف شکایت کنند، اما ایضاً این مسأله بر عهده قضات تحقیق و دادگاه‌هاست که تشخیص دهند شکایت عنوان شده در یکی از قالب‌های جزایی که قانون مشخص کرده قرار می‌گیرد یا خیر. به عنوان مثال، بسیاری از افراد هر گونه انتقال مال غیر را کلاهبرداری تلقی و اقدام به طرح شکایت جزایی می‌کنند، در صورتی که در برخی از موارد این انتقال جنبه حقوقی دارد و فاعل مستوجب تعقیب و مجازات نیست.



اول این که قانون گذار ماده ۱ از قانون مجازات اسلامی می گوید «قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرایم و مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی که علیه مجرم اعمال می شود» بنابراین قانونگذار اقدامات تامینی و تربیتی را به عنوان یکی از واکنش های قانونی علیه جرم قرار داده است.

دوم اینکه: در ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی آمده است «مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است» و نی با توجه به بند ۳ از همین ماده معلوم می شود که حذف عبارت تامینی و تربیتی از تعریف جرم موثر در مقام نیست، به عبارت دیگر اقدامات تامینی و تربیتی به عنوان واکنش علیه جرم، قانونی محسوب می شود.

سوم اینکه، بر اساس اصل یازدهم قانون اساسی که به بیان وظایف قوه قضاییه می پردازد، یکی از راه های پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان را انجام اقدامات مناسب ذکر کرده است. اقدامات مناسب می تواند از قبیل نگهداری مجرمان در کارگاه های کشاورزی و صنعتی، نگهداری کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت و همین خود اقدامات تامینی و تربیتی است که قاضی برای پیش گیری از وقوع جرم اعمال می کند.

### • سابقه تاریخی

همان گونه که گفته شد تفسیر مضیق قوانین جزایی نتیجه اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست و اصولاً ارجاع به سابقه تاریخی اصل یاد شده می گردد، اگرچه می توان قبل از انقلاب فرانسه نیز نشانه هایی از آن را در حقوق کشورهای مختلف یافت و ضرب المثل لاتین «مجازات ها تفسیر محدود می شوند» نشان دهنده این مطلب است.

### • امتیازات و انتقادات وارد بر تفسیر محدود

-در مورد امتیازات این قاعده اعتقاد بر این است که صیانت از آن نگاهیانی و پاسداری از آزادی های فردی است قاضی کیفری نباید جز متن قانون جزا را به کار بندد و اگر بخواهند به ماورای قانون دست یابد، در حقیقت به اصل آزادی فردی تجاوز کرده است، زیرا میل و خواست قاضی و نظرات شخصی او در تفسیر مؤثرند.



مخافان این قاعده معتقدند که چنانچه مقید به تفسیر مضیق باشیم، چون قانون جزا نمی تواند کلیه اعمال خلاف نظم اجتماعی را پیش بینی کند لذا مجرمان از کیفر و اجرای عدالت می گریزند. به این دلیل، قاعده قیاس<sup>۱</sup> را پیش بینی می کنند که طبق آن می توان کیفری مناسب به عملی داد که در قانون پیش بینی نشده و یا مبهم است.

## • نتایج تفسیر مضیق قوانین جزایی

این نتایج عبارتند از:

- ۱- تبرئه در حال شک: اصل برائت در حال شک در غالب قانون گذاری ها پذیرفته شده است. وقتی قانون جزا مجمل است یا ابهام دارد، به نحوی که قاضی نمی تواند اندیشه قانون گذار را درک کند و عمل ارتكابی را با آن مطابقت دهد، باید متهم را تبرئه کند.
- ۲- منع دلیل تراشی به وسیله قیاس: قیاس یعنی گسترش اجرای قانون صریح به مواردی که در مجموعه قوانین جزایی پیش بینی نشده است در صورتی که شباهتی بین دو عمل وجود داشته باشد. به عنوان مثال، قبل از قانون ۲۶ ژوئیه ۱۸۷۳ در فرانسه که خوردن اغذیه در رستوران را بدون پرداخت قیمت غذا مجازات می کرد (ماده ۴۰۱ قانون مجازات عمومی اسبق فرانسه) این عمل بکرات انجام می شد، در حالی که شباهت زیادی با سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت داشت اما سرقت نبود، زیا ربایش مادی مل غیر به نحو مخفیانه محسوب نمی شد؛ کلاهبرداری نبود زیرا مانورهای متقلبانه وجود نداشت، و خیانت در امانت نیز به حساب نمی آمد زیرا مالی به شکل امانی تسلیم نشده بود. ولی عمل مذکور با وجود شباهت به این جرایم مجازات داده نمی شد زیرا قانونگذار قیاس را در امور کیفری منع می کرد. در خالی که نویسندگان مجموعه قوانین جزایی سابق شوروی قبلاً قیاس را قبول کرده بودند. طبق ماده ۱۶ قانون جزای ۱۹۲۶: «اگر چنین یا چنان عملی از نظر جامعه خطرناک باشد و در مجموعه

<sup>۱</sup> Interpretation analogique در این نوع تفسیر، قاضی می تواند اعمال ضد اجتماعی را که در قانون به طور صریح و دقیق پیش بینی نشده است با جرایم پیش بینی شده در قانون مقایسه کند و همان طور مجازاتی را که در مورد آن جرم پیش بینی شده است اعمال نماید.



قوانین به روشنی قید نشده باشد، اساس و محدودیت‌های مسئولیت فاعل جرم با موادی که به طبیعت عمل انجام شده نزدیکتر است شناخته خواهد شد.<sup>۱</sup>

همچنین، مجموعه قوانین جزایی ۱۸۷۰ ژاپن و مجموعه قوانین کیفری دانمارک در ۱۹۳۰ که امروز هر دو منسوخ شده‌اند دلیل تراسی با قیاس را قبول می‌کردند.

روشن است که قبول قیاس آزادی‌های فردی را به مخاطره خواهند انداخت و به حکومت‌های استبدادی اجازه خواهد داد که با این روش، عناوین مجرمانه‌ای برای مخالفان خود ایجاد کنند که قانون جزا آنها را صریحاً قید نکرده است.

### • محدودیت‌های وارد بر تفسیر مضیق قوانین جزایی

نمی‌توان گفت که تفسیر یعنی برخورد تحت اللفظی با قانون در همه حال، زیرا گاهی لازم می‌آید که نظر قانونگذار در زمینه ارائه مطلب کاملاً بررسی شود. مثال کلاسیک در این مورد از قانون پلیس راه آهن فرانسه است که صریحاً مقرر می‌داشت: «پایین آمدن از قطار در محلی غیر از ایستگاه و هنگامی که ترن کاملاً توقف نکرده ممنوع است». روشن است که عقیده قانونگذار این بوده که وقتی ترن کاملاً متوقف شده باید از آن پایین آمد در حالی که متن قانون این طور نیست، پس اگر به تفسیر مضیق پناه ببریم راه خطا پیش گرفته ایم.

- تفسیر مضیق بدین معنی نیست که نتوان مطلقاً مجازاتی برای اعمالی که به طور صریح در قانون اشاره بدان‌ها نشده باشد تعیین کرد. لهذا چنانچه پس از اعتبار قانونی، اعمالی انجام شود که نتوان آنها را منجزاً در فرمول قانون گنجانده و به وجوب مجازات پی برد اما در عین حال بتوان در حد منطقی آنها را در کنار اعمال انجام شده قرار داد، کیفر آنها به نظر بدون اشکال است؛ البته این عمل باید به نحوی باشد که مطلقاً منجر به تفسیر موسع به معنای خاص نگردد. به عنوان مثال، سرقت عبارتست از «ربودن مخفیانه مال و منقول و متعلق به غیر». حال، اگر این موضوع را به ربودن الکتریسیته تسری بدهیم نمی‌توان گفت که تفسیر موسع کرده ایم و نباید به عنوان قبول قاعده تفسیر مضیق، سرقت الکتریسیته را

<sup>۱</sup> - این قانون بعداً منسوخ شد.

جرم ندانیم، زیرا منطقی نیست که این نوع سرقت را از شمول سرقت عادی خارج کنیم. با این همه تأکید می‌کنیم که بهتر است قانونگذار این موارد خاص را نیز مورد توجه قرار دهد و به تدوین قانون بپردازد.

- تفسیر محدود در مواردی است که قانون به نفع متهم نباشد. در مورد قوانین مساعد به حال مجرم می‌توان از تفسیر موسع، چه در قوانین ماهوی و چه در قوانین شکلی، استفاده کرد.

• تفاوت تعریف قانونی جرم و تعریف فقهی آن

۱. از لحاظ موضوع: از نظر موضوع بین تعریف قانونی جرم و تعریف فقهی آن تفاوت وجود دارد: در تعریف مجرم از نظر قانون، دو ویژگی ملاحظه شده است: یکی، ویژگی خصوصی جرم، از آن جهت که وقوع جرم موجب ضرر و زیان شخصی یا اشخاص معینی می شود. دیگری، ویژگی عمومی جرم از آن جهت که ارتکاب جرم محل نظم و تجاوز به حقوق عمومی است. در هر حالی جرم در اصطلاح فقهی به معنی گانه و معصیت است و آن عبارت است از سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هر فعل یا ترک فعل می شود که دارای ضرر اجتماعی است و یا موجب ضرر و زیان تباهی شخص مرتکب می شود. بنابراین، در تعریف فقهی دو ویژگی مدنظر است: ۱. تجاوز به حق الله؛ یعنی جرایمی که محل نظم و حقوق عمومی و اخلاق حسنه و امثال آن است. ۲. تجاوز به حق الناس؛ یعنی جرایمی که جنبه خصوصی و شخصی دارد و ضرر و زیان متوجه فرد یا افراد معینی می شود.

از این رو، روشن شد که جرم فقهی (گناه) نه تنها شامل جرایم علیه اشخاص، اموال یا امنیت و آسایش عمومی، که دارای مفاسد و ضرر و زیان خصوصی یا عمومی هستند می شود، بلکه شامل سایر اعمال حرامی است که تنها دارای مفاسد شخصی و موجب تباهی شخصی مرتکب می شود. مانند: نوشیدن مشروبات الکلی، ارتداد، ترک بعضی از واجبات و ... در حالی که، تعریف قانونی جرم، گناهی را که ضرر و زیان آنها تنها شامل مرتکب گناه می شود، شامل نمی شود.

۲. از لحاظ مبنا: مبنای گناه و معصیت، کتاب و سنت است که مبتنی بر وحی و احکام الهی است و در همه زمان ها و مکان ها دارای مفهوم ثابت و تغییرناپذیری است و هیچ کس نمی تواند آن را تغییر دهد



در حالیکه مفهوم قانونی جرم، قراردادی و اعتباری است و متناسب با شرایط و عوامل مختلف در هر عصر و زمانی متغیر است.

ناگفته نماند که توصیف قواعد و مقررات مربوط به اعمال مجرمانه، به عنوان قوانین ثانویه و غیر ثابت، نباید با نصوص کتاب و سنت مغایرت داشته باشد که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی تشخیص آن با شورای نگهبان است. در همین زمینه در اصل چهارم قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد؛ این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

۳. از لحاظ تقسیم بندی جرم: بر اساس ماده ۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ جرایم به ۳ دسته تقسیم می‌شوند: جنایت، جنحه، خلاف. این تقسیم بندی در کشورهای لائیک مرسوم است و تدوین کنندگان قانون مجازات عمومی، تحت تاثیر قوانین کشورها آن را تصویب کرده اند، در حالیکه، تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی به تعبیت از فقه اسلامی، جرایم از نظر مورد تعدی و تجاوز و نیز نوع و میزان مجازات، به پنج قسم تقسیم نموده اند: ۱. حدود ۲. قصاص ۳. دیات ۴. تعزیرات اسلامی ۵. مجازات های بازدارنده.

## • تقسیمات کلی جرم

### ۱- جرم کیفری

جرم به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت های مادی تحقق یابد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۱۲۱، شامبیاتی، هوشنگ، همان، ص ۲۲۶.



## ۲- جرم مدنی

به فعلی اطلاق می شود که من غیر حق، زبانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است»<sup>۱</sup>

## ۳- جرم انتظامی

تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانون های صنفی و کلا، سردفتران، پزشکان و ... مانند جامعه بزرگ متکی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه اتحادیه صنفی و حرفه ای است.<sup>۲</sup>

## عناصر تشکیل دهنده جرم

منظور از عنصر قانونی، این است که برای تشخیص این که آیا عملی یا ترک عملی جرم است یا نه؟ باید بلافاصله به مرجع تشخیص جرایم یعنی قانونگذار مراجعه کرد. پس عنصر قانونی حکایت دارد از اینکه هیچ عملی را هر چند زشت و ناپسند و مذموم باشد، نمی توان جرم دانست مگر آنکه قانونگذار آن را جرم شناخته باشد.<sup>۳</sup>

## ۲- عنصر مادی جرم

برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد و شرط تحقق جرم آنست که قصد سوء ارتکاب عمل دخا صی دست کم به مرحله فعلیت برسد؛ بنابراین قصد باطنی زمانی قابل مجازات است که تظاهر خارجی آن به صورت عملی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار آشکار شود. و

<sup>۱</sup> - اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۱۲۱.

<sup>۲</sup> - اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۱۲۳.

<sup>۳</sup> - شامبیاتی، هوشنگ، همان، ص ۲۳۶.



عامل درونی ذاتی از قبیل فکر و طرح و قصد تا زمانی که در همین مرحله بماند از تعقیب جزائی مصون می ماند.<sup>۱</sup>

### ۳- عنصر روانی جرم

برای تحقق جرم نقض اوامر و نواهی قانونگذار به تنهایی کافی نیست. فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت ارتکاب جرم یا تظاهر نیت سوء است یا خطای مجرم، مشروط بر اینکه فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آنرا احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانونگذار آگاه باشد.

### نتیجه گیری

در بسیاری از قوانین کشورها از جرم تعاریف گوناگونی ارائه شده و در کشور ما نیز در سال های متمادی تعاریفی بیان شده بود که تعریف آخر آن تعریفی جامع و کامل از جرم به حساب می آمد. البته همین قانون جامع متأسفانه هنوز لازم الاجرا نشده و فعلاً قانون مجازات سال ۷۰ اجرا می شود. حال با این اوصافی که عنوان شد می توان نتیجه گرفت که چنان که قانونی وجود نداشته باشد نمی توان هیچ عملی را جرم نمود و جرم تنها شامل افعال خلاف نیست بلکه ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع باشد نیز جرم تلقی می شود.

<sup>۱</sup> - اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۲۰۸.



## منابع و مأخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
۲. آشوری، محمد، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات سمت.
۳. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.
۴. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان.
۵. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش.
۶. حبیب‌زاده، محمدجعفر، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان.
۷. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، میزان.
۸. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی؛ تحولات تاریخی و مبانی نظری مسئولیت کیفری، تهران، میزان.
۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات حقوق جزای عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. پرادل، ژان، حقوق کیفری تطبیقی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
۱۲. دورکیم، امیل، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مرکز.
۱۳. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
۱۴. گارلند، دیوید، فرهنگ کنترل: جرم و نظم اجتماعی در جامعه معاصر، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.



۱۵. بکاربا، سزار، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه اردشیر لارودی، تهران.

۱۶. بنتام، جرمی، مبانی اخلاق و قانون‌گذاری، ترجمه و تلخیص، تهران.

۱۷. Lombroso, Cesare, *Crime: Its Causes and Remedies*, Little, Brown and Company.
۱۸. Beccaria, Cesare, *On Crimes and Punishments*, Cambridge University Press.
۱۹. Durkheim, Émile, *The Division of Labor in Society*, Free Press.
۲۰. Durkheim, Émile, *The Rules of Sociological Method*, Free Press.
۲۱. Garland, David, *Punishment and Modern Society: A Study in Social Theory*, University of Chicago Press.
۲۲. Foucault, Michel, *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, Vintage Books.
۲۳. Hagan, Frank E., *Introduction to Criminology: Theories, Methods, and Criminal Behavior*, Sage Publications.

## لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معنوی هفتمین همایش ملی بی‌وهترها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

**اکانت ایتنا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله**  
**Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲**

**۱۴۰۳/۱۲/۰۸**  
**دانشگاه رازی - سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی**




**جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:**  
**خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

هفتمین همایش ملی بی‌وهترها علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین (انجمن بر گزار کننده: بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش و سپاه پاسداران کرمانشاه - ۸ اسفند ۱۴۰۳)